

چرا آزادی ما در مسیح باید ما را به یک زندگی محبت‌آمیز نسبت به یکدیگر و
همسایه‌هایمان هدایت کند؟

آریا بهرامی

تاریخ:

۲۶، ۰۷، ۲۰۲۶

مقدمه

آزادی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم الهیات مسیحی و از برجسته‌ترین مضامین رساله پولس به غلاطیان است. با این حال، مقصود کتاب مقدس از آزادی با برداشت‌های رایج که آن را به رهایی از هرگونه محدودیت یا اختیار مطلق انسان تعبیر می‌کنند، تفاوتی اساسی دارد. پولس در پاسخ به آموزه‌هایی که نجات را در گرو پابندی به شریعت می‌دانستند، اعلام می‌کند که مسیح ایمانداران را از محکومیت شریعت و سلطه گناه آزاد ساخته است؛ اما این آزادی هرگز به معنای بی‌قیدی اخلاقی یا فرصتی برای پیروی از امیال نفسانی نیست. برعکس، آزادی در مسیح آغاز زندگی تازه‌ای است که در آن روح القدس انسان را برای اطاعت از خدا و زیستن مطابق اراده او توانمند می‌سازد (غلاطیان ۵: ۱۳-۲۶).

در همین چارچوب، محبت جایگاهی محوری در زندگی مسیحی دارد. پولس آزادی مسیحی را نه در استقلال از خدا یا بی‌نیازی از دیگران، بلکه در توانایی خدمت محبت‌آمیز به آنان تعریف می‌کند. از این رو، محبت را باید مهم‌ترین نمود عملی آزادی در مسیح دانست؛ زیرا آزادی‌ای که از روح القدس سرچشمه می‌گیرد، همواره در فروتنی، ایثار، خدمت و توجه به دیگران آشکار می‌شود. این دیدگاه با تعالیم عیسی نیز هماهنگ است؛ جایی که او شاگردان خود را به محبتی فرا می‌خواند که نشانه هویت آنان و معیار شاگردی حقیقی است (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵).

در این مقاله، مفهوم آزادی مسیحی بر اساس آموزه‌های رساله غلاطیان بررسی می‌شود و سپس نشان داده خواهد شد که محبت، مهم‌ترین ثمره این آزادی است. همچنین با تکیه بر تعالیم عیسی در انجیل یوحنا و دیدگاه شماری از الهی‌دانان مورد بررسی قرار خواهد گرفت که آزادی حقیقی نه در رهایی از مسئولیت، بلکه در توانایی محبت ورزیدن، خدمت کردن به دیگران و زیستن تحت هدایت روح القدس به کمال می‌رسد. این پژوهش در نهایت نشان خواهد داد که آزادی و محبت در الهیات عهد جدید دو حقیقت جدایی‌ناپذیرند و زندگی مسیحی تنها زمانی به‌درستی تحقق می‌یابد که آزادی حاصل از کار مسیح در محبتی عملی، فروتنانه و خدمتگزارانه نسبت به دیگران تجلی پیدا کند.

مفهوم آزادی مسیحی

پولس در غلاطیان فصل ۵ نشان می‌دهد که آزادی مسیحی هرگز به معنای رهایی از مسئولیت اخلاقی یا فراهم شدن فرصت برای پیروی از امیال نفسانی نیست. او در پاسخ به این نگرانی که کنار گذاشتن شریعت ممکن است به گناه بینجامد، تأکید می‌کند که خدا به جای اتکا بر احکام شریعت، روح‌القدس را به ایمانداران عطا کرده است. از این‌رو، روح‌القدس نه تنها جایگاه پارسای ایماندار را در حضور خدا حفظ می‌کند، بلکه توان لازم برای زیستن در اطاعت و تحقق خواسته‌های خدا را نیز فراهم می‌آورد. از این رو پولس بحث خود را با دو محور اصلی آغاز می‌کند: خطر «جسم» برای زندگی مسیحی و ضرورت محبت متقابل در جامعه ایمانداران. سپس توضیح می‌دهد که تنها زندگی تحت هدایت روح‌القدس می‌تواند بر تمایلات گناه‌آلود غلبه کند و ایماندار را به محبتی عملی نسبت به دیگران رهنمون سازد. بنابراین، آزادی مسیحی نه استقلال از خدا، بلکه رهایی برای زیستن در اطاعت، محبت و خدمت به دیگران است.^۱

پولس آزادی مسیحی را در تقابل با زندگی «زیر شریعت» تعریف می‌کند. به تفسیر شراینر، اصطلاح «زیر شریعت» صرفاً به معنای زندگی تحت احکام موسی نیست، بلکه بیانگر وضعیتی است که انسان در آن زیر سلطه گناه، محکومیت و لعنت قرار دارد. از این‌رو، آزادی‌ای که مسیح برای ایمانداران فراهم کرده است، رهایی از اقتدار گناه و ورود به عصر جدید نجات است که در آن روح‌القدس زندگی ایماندار را هدایت می‌کند. شراینر با استناد به غلاطیان فصل ۵ آیه ۱۸ توضیح می‌دهد که کسانی که به وسیله روح هدایت می‌شوند، دیگر «زیر شریعت» نیستند؛ زیرا هدایت روح نه تنها آنان را از محکومیت شریعت آزاد می‌سازد، بلکه قدرت لازم برای غلبه بر گناه و زیستن در اطاعت از خدا را نیز فراهم می‌آورد. بنابراین، آزادی در مسیح به معنای سستی اخلاقی یا بی‌اعتنایی به اراده خدا نیست، بلکه آغاز زندگی تازه‌ای است که در آن روح‌القدس انسان را به اطاعت و پارسایی رهنمون می‌شود.^۲

^۱ Douglas J. Moo, *Galatians*. Baker Exegetical Commentary on the New Testament. (Grand Rapids, MI: Baker Academic, 2013), 341, PDF eBook.

^۲ Thomas R. Schreiner, *40 Questions About Christians and Biblical Law*. (Grand Rapids, MI: Kregel Academic, 2010), 74, PDF eBook.

محبت، مهم‌ترین ثمره آزادی در مسیح

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های کتاب مقدس این است که محبت، صرفاً یک احساس انسانی یا یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه از ذات خدا سرچشمه می‌گیرد. از این رو، هرگونه برداشت از محبت که آن را به مفهومی انتزاعی، فلسفی یا صرفاً عاطفی تقلیل دهد، با تصویر کتاب مقدس از خدا سازگار نیست. دی. ای. کارسون با استناد به دیدگاه چارلز هاج تأکید می‌کند که کتاب مقدس، خدا را نه به عنوان نیرویی ناشناخته و غیرشخصی، بلکه به عنوان خدایی معرفی می‌کند که محبت او واقعی، شخصی و در رابطه با انسان آشکار است. اگر محبت را از شخصیت خدا جدا کنیم، نه تنها محبت الهی، بلکه شناخت صحیح از ذات خدا نیز تضعیف خواهد شد؛ زیرا همان کتاب مقدسی که خدا را دانا و صاحب اراده معرفی می‌کند، او را «محبت» نیز می‌خواند. بنابراین، عبارت «خدا محبت است» باید بر اساس معنایی که کتاب مقدس از محبت ارائه می‌دهد فهمیده شود، نه بر مبنای برداشت‌های صرفاً فلسفی یا احساس‌گرایانه. کارسون یادآور می‌شود که توصیف خدا به پدری که بر فرزندان خود شفقت می‌ورزد، بیانگر آن است که محبت الهی، محبتی واقعی، فعال و رابطه‌محور است، نه صرفاً یک مفهوم نظری یا استعاره‌ای.^۳

این حقیقت، زمینه الهیاتی تعلیم پولس درباره آزادی مسیحی را نیز روشن می‌سازد. آزادی‌ای که مسیح به ایماندار عطا می‌کند، هرگز به خودمحوری یا ارضای امیال نفسانی نمی‌انجامد، بلکه چون از محبت خدای شخصی سرچشمه می‌گیرد، در خدمت محبت به دیگران ظاهر می‌شود. از همین رو، پولس ایمانداران را فرا می‌خواند که آزادی خود را وسیله‌ای برای محبت و خدمت به یکدیگر قرار دهند، زیرا زندگی هدایت‌شده به وسیله روح القدس، انعکاس محبت خدایی است که نخست انسان را محبت کرده است. (غلاطیان ۵: ۱۳-۲۶) نشان می‌دهد که محبت، نخستین و برجسته‌ترین ثمره آزادی در مسیح است و تمامی رفتار اخلاقی ایماندار از همین حقیقت سرچشمه می‌گیرد.^۴

³ D. A. Carson, *The Difficult Doctrine of the Love of God*. (Wheaton, IL: Crossway, 2000), 29, PDF eBook.

(غلاطیان ۵: ۱۳-۲۶ ترجمه مژده برای عصر جدید ویرایش ۲۰۲۳)⁴

عیسی پیش از آنکه فرمان تازه محبت را به شاگردان خود اعلام کند، معنای حقیقی محبت را در عمل به آنان نشان داد. کوستنبرگر توضیح می‌دهد که شستن پاهای شاگردان صرفاً یک حرکت نمادین یا آیینی نبود، بلکه الگویی عینی از فروتنی، خدمت و از خودگذشتگی را به نمایش گذاشت. هرچند گفت‌وگوی عیسی با پطرس به پاکی روحانی ایمانداران نیز اشاره دارد، اما محور اصلی این روایت دعوت پیروان مسیح به الگوبرداری از روحیه خدمتگزارانه اوست. از این رو، عیسی که خداوند و استاد شاگردان بود، آگاهانه جایگاه خادم را برگزید تا نشان دهد عظمت در پادشاهی خدا نه با برتری جویی، بلکه با خدمت محبت‌آمیز به دیگران معنا می‌یابد.^۵

کوستنبرگر همچنین تأکید می‌کند که مقصود عیسی از شستن پاهای شاگردان، تأسیس آیینی دائمی برای کلیسا نبود، بلکه ارائه الگویی عملی از محبت بود که در فروتنی، ایثار و پاسخ‌گویی به نیازهای دیگران جلوه‌گر می‌شود. بنابراین، «شستن پاهای یکدیگر» باید به عنوان نمادی از آمادگی برای خدمت به دیگران در هر شرایطی فهمیده شود، نه صرفاً انجام یک عمل تشریفاتی. این نگرش با تعالیم پولس نیز کاملاً هماهنگ است؛ او ایمانداران را فرا می‌خواند تا بارهای یکدیگر را بر دوش کشند (غلاطیان ۶: ۲) و با فروتنی، دیگران را از خود برتر بشمارند (فیلیپیان ۲: ۳-۸). بدین ترتیب، محبت مسیحی تنها یک احساس درونی یا یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه در خدمت عملی، فروتنی و ایثار نسبت به دیگران آشکار می‌شود. از همین رو، تعلیم عیسی در (یوحنا ۱۳: ۱۲-۱۷) و فرمان تازه او در (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵)، در کنار تعلیم پولس درباره آزادی مسیحی در (غلاطیان ۵: ۱۳-۲۶)، همگی بر این حقیقت تأکید دارند که آزادی حقیقی در مسیح زمانی به کمال می‌رسد که در محبتی ایثارگرانه و خدمتگزارانه نسبت به دیگران تجلی یابد.^۶

⁵ Andreas J. Köstenberger, *Encountering John: The Gospel in Historical, Literary, and Theological Perspective*. (Grand Rapids, MI: Baker Books, 1999), 146, PDF eBook.

⁶ Andreas J. Köstenberger, *Encountering John: The Gospel in Historical, Literary, and Theological Perspective*. (Grand Rapids, MI: Baker Books, 1999), 147, PDF eBook.

نتیجه گیری

بررسی آموزه‌های پولس و تعالیم عیسی نشان می‌دهد که آزادی مسیحی مفهومی بسیار فراتر از رهایی از محکومیت شریعت یا برخورداری از حق انتخاب فردی است. این آزادی، ورود به شیوه‌ای نو از زندگی است که در آن روح‌القدس انسان را از سلطه گناه رهایی می‌بخشد و او را برای اطاعت از اراده خدا توانمند می‌سازد. از این‌رو، آزادی در مسیح نه مجوزی برای پیروی از خواسته‌های نفسانی، بلکه دعوتی به زیستن در پارسایی، اطاعت و مسئولیت‌پذیری در برابر خدا و دیگران است. همان‌گونه که پولس در (غلاطیان ۵: ۱۳-۲۶) تأکید می‌کند، آزادی حقیقی تنها در زندگی هدایت‌شده به وسیله روح‌القدس معنا می‌یابد و ثمره طبیعی آن، دگرگونی اخلاقی و رفتاری ایماندار است.

در پرتو این آزادی، محبت جایگاهی محوری می‌یابد؛ زیرا محبت نه صرفاً یک فضیلت اخلاقی، بلکه بازتاب ذات خدایی است که خود محبت است. از همین رو، محبت مسیحی تنها در سطح احساس یا گفتار باقی نمی‌ماند، بلکه در فروتنی، ایثار، خدمت و توجه عملی به نیازهای دیگران آشکار می‌شود. الگویی که عیسی در شستن پاهای شاگردان ارائه کرد و فرمان تازه‌ای که به آنان سپرد (یوحنا ۱۳: ۱۲-۱۷؛ ۱۳: ۳۴-۳۵)، نشان می‌دهد که شاگردی حقیقی همواره با خدمت محبت‌آمیز به دیگران شناخته می‌شود. این تعلیم با تأکید پولس بر خدمت متقابل، برداشتن بارهای یکدیگر (غلاطیان ۶: ۲) و ترجیح دادن دیگران بر خود (فیلیپیان ۲: ۳-۸) هماهنگی کامل دارد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آزادی و محبت در الهیات عهد جدید دو حقیقت جدایی‌ناپذیرند. آزادی مسیحی بدون محبت به خودمحوری و سوءاستفاده از فیض الهی می‌انجامد و محبت نیز بدون آزادی‌ای که مسیح و روح‌القدس عطا می‌کنند، به یک وظیفه اخلاقی صرف تقلیل می‌یابد. از این‌رو، مهم‌ترین ثمره آزادی در مسیح، محبتی است که از کار روح‌القدس سرچشمه می‌گیرد و در خدمت، فروتنی و از خودگذشتگی نسبت به دیگران تجلی می‌یابد. چنین محبتی نه تنها جامعه ایمانداران را استوار می‌سازد، بلکه گواهی زنده بر حضور و عمل خدا در زندگی کسانی است که در مسیح به آزادی حقیقی دست یافته‌اند.

منابع

Moo, Douglas J. *Galatians*. Baker Exegetical Commentary on the New Testament. Grand Rapids, MI: Baker Academic, 2013.

Schreiner, Thomas R. *40 Questions About Christians and Biblical Law*. Grand Rapids, MI: Kregel Academic, 2010.

Carson, D. A. *The Difficult Doctrine of the Love of God*. Wheaton, IL: Crossway, 2000.

Köstenberger, Andreas J. *Encountering John: The Gospel in Historical, Literary, and Theological Perspective*. Grand Rapids, MI: Baker Books, 1999.

کتاب مقدس ترجمه مژده برای عصر جدید. ویرایش ۲۰۲۳.